



فصلنامه مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی
سال نهم، شماره ۳ (پیاپی: ۳۵)، پاییز ۱۴۰۴

بررسی ابعاد تحرک و بازتولید اجتماعی در شهر کاشان

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۵

کد مقاله: ۷۱۸۹۵

سیدکمال الدین موسوی^۱، مهدیه کاظمیان^۲

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی ابعاد تحرک بین نسلی و باز تولید اجتماعی در شهر کاشان پرداخته و در این مسیر از روش پیمایش بهره برده است. جامعه آماری را شهروندان ۲۵ تا ۶۴ ساله و شاغل تشکیل می دهند که از بین آنها ۳۸۵ نفر به شیوه نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای انتخاب و مطالعه شده اند. یافته ها نشان داد میزان تحرک بین نسلی در این شهر معادل ۵۸/۲٪، بازتولید اجتماعی ۴۱/۸٪، و اکثریت افراد عمدتاً یک درجه تحرک را تجربه کرده اند. تحرک صعودی عمدتاً در صاحبان مشاغل سطح پایین و بسیار پایین، تحرک نزولی عمدتاً در صاحبان مشاغل بالا و بسیار بالا، و بازتولید اجتماعی نیز عمدتاً در مشاغل سطح متوسط رخ داده است. همچنین، عواملی چون سن، منطقه سکونت، عادات فرهنگی و آموزشهای تخصصی- مهارتی، و جایگاه شغلی پدر با ارتقاء بین نسلی رابطه دارند و مهم اینکه، هم در ارتقاء بین نسلی و هم باز تولید اجتماعی، عمدتاً استراتژی های آموزشی و زیستی توسط پدران پاسخگویان به کار گرفته شده است.

واژگان کلیدی: فضای اجتماعی، تحرک اجتماعی، بازتولید

۱- استادیار جامعه شناسی و عضو هیئت علمی دانشگاه کاشان

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش اجتماعی از دانشگاه کاشان

۱- مقدمه

یکی از شاخص‌های توسعه را مشارکت و ایفای نقش در جامعه تشکیل می‌دهد اما ظرفیت و امکان مشارکت افراد منوط به باز و یا بسته بودن فضای جامعه است بنابراین، علم به اینکه آیا جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم جامعه‌ای است باز یا بسته، و اینکه در آن امکان پیشرفت و تحرک اجتماعی هست یا خیر، چشم انداز واقعگرایانه تری از آینده را پیش روی ما قرار خواهد داد. آگاهی از عوامل ارتقاء اجتماعی و دانستن اینکه افراد و گروه‌هایی که پیشرفت داشته‌اند چه استراتژی‌هایی را در پیش گرفته بودند الگوهایی بدست می‌دهد که می‌تواند در هدایت فرزندانمان بسوی وضعیتی بهتر مفید واقع شود.

در ادبیات جامعه‌شناختی، نظریه پردازی پیرامون تحرک اجتماعی در ۱۹۲۶ و با انتشار کتاب تحرک اجتماعی توسط پیتریم سوروکین آغاز شد اما نخستین مطالعات تجربی در این زمینه سالها بعد و در نیمه دوم قرن ۲۰ میلادی توسط دانکن، بلا و دیگران صورت گرفت و این پژوهش‌ها تا به امروز ادامه دارد. از همان ابتدا اغلب جامعه‌شناسان "موقعیت شغلی" را شاخص اصلی جهت سنجش تحرک اجتماعی (صعودی و نزولی) در نظر گرفته‌اند زیرا موقعیت شغلی ضمن تاثیر بر درآمد، منزلت اجتماعی و سبک زندگی انسانها، بیانگر نقش اجتماعی فرد در داخل نظام تقسیم کاری است که در جامعه وجود دارد و در نتیجه، جایگاه اجتماعی وی را نیز تا حدود زیادی تعیین میکند.

اساسا، تحول و پویایی هر جامعه‌ای را در دو شکل کلی - تحرک اجتماعی و باز تولید اجتماعی - می‌توان مشاهده و شدت و دامنه آن را اندازه‌گیری کرد. تحرک اجتماعی و باز تولید اجتماعی دو روی یک سکه و مکمل یکدیگرند بطوریکه افزایش یکی کاهش دیگری را رقم می‌زند. تحرک جنبه‌های پویا، سیال و انعطاف‌پذیر طبقاتی را در جامعه نشان می‌دهد درحالیکه باز تولید نشانگر ایستایی اجتماعی و وراثت موقعیتهای طبقاتی است. گستره این دو پدیده از جامعه‌ای به جامعه‌ای، و از زمانی به زمان دیگر متفاوت است. شاید مطالعه تحرک اجتماعی در جوامع ایستا و بدون تغییر که الگوی زندگی در آنها مدت‌ها یکسان و مشابه باقی می‌ماند چندان ضرورتی نداشته باشد اما در جوامعی که در حال پوست اندازی هستند این نوع مطالعات از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در ایران، یکی از نقاطی که بسیاری از ابعاد و ویژگی‌های آن دستخوش دگرگونی است و فرایند گذار را در آن حتی با چشمان غیر مسلح نیز می‌توان دید شهر کاشان است، و از اینرو نیازمند تصویر برداری لحظه به لحظه از حالات، تغییرات و پویایی‌های آن هستیم. شهری که با نرخ رشدی ۱۲٫۷ درصدی طی سالهای ۹۰ تا ۹۵ جمعیت آن از ۳۲۳۳۷۱ نفر به ۳۶۴۴۸۲ نفر افزایش یافته و پذیرای طیف متنوعی از جمعیت دیگر مناطق کشور بوده است (شهرداری اصفهان، ۱۳۹۶: ۵۸). بافت‌های قدیمی شهر در حال فرسودگی، خانه‌های پدري در حال خالی و متروکه شدن، و نسل‌های جدید ضمن استقرار در نواحی جدید و نوساز، بتدریج در حال فاصله گرفتن از عادات، سنن، فرهنگ و حتی مشاغل آباء و اجدادی هستند. ارزشها و اولویتهای نسل جدید نیز نسبت به نسل گذشته در حال تغییر است. قبلاً زنان و دختران به قالی بافی، گلابگیری و صنایع دستی مشغول بودند اما امروزه عمدتاً به مشاغل اداری، خدماتی و فرهنگی روی می‌آورند. با تعطیلی کارخانجات بزرگ و پر رونق پارچه بافی، نخ ریزی و مخمل بافی پس از انقلاب ۵۷، مشاغل جدیدی رونق گرفته و بخش قابل توجهی از نسل جدید به حوزه مشاغل تخصصی، فنی، خرید و فروش و تجارت انواع کالاها راه یافته است. تحولات این شهر در سالهای اخیر حوزه‌های متنوع اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و تکنولوژیک را شامل می‌شود بگونه‌ای که هر حوزه پژوهش مستقل و جداگانه‌ای را می‌طلبد. از بین مطالعه پویایی‌های این شهرمسئله تحرک و بازتولید اجتماعی موضوع این پژوهش است. می‌خواهیم ببینیم شهروندان کاشانی طی سالیان اخیر چقدر تحرک اجتماعی داشته‌اند، از چه استراتژی‌هایی برای پیشرفت استفاده کرده‌اند، و چه عواملی بر ارتقاء آنها اثر گذار بوده است؟ در راستای تامین اهداف مورد نظر، سوالات و فرضیاتی به شرح زیر در دستور کار پژوهش قرار دارد.

میزان تحرک اجتماعی بین نسلی در شهروندان شهر کاشان چقدر است؟

میزان بازتولید اجتماعی در شهروندان شهر کاشان چقدر است؟

عمدتاً چه استراتژی‌هایی برای ارتقاء بین نسلی و بازتولید اجتماعی استفاده شده است؟

میان متغیرهای زمینه‌ای و تحرک صعودی بین نسلی (ارتقاء) رابطه وجود دارد.

میان عوامل اقتصادی و تحرک صعودی بین نسلی (ارتقاء) رابطه وجود دارد

میان عوامل فرهنگی و تحرک صعودی بین نسلی (ارتقاء) رابطه وجود دارد.

میان عوامل خانوادگی و تحرک صعودی بین نسلی (ارتقاء) رابطه وجود دارد.

۲- پیشینه پژوهش

در باره تحرک اجتماعی، تحقیقاتی بطور منظم از دهه پنجاه هجری شمسی در ایران آغاز شده است. به عنوان نمونه، در پژوهشی که احمد اشرف و علی بنوعیزی در سال ۱۳۵۶ در بین ۱۸۰۰ مرد سرپرست خانوار در تهران و شیراز انجام دادند معلوم شد بخش مهمی از کارگران که در دوره پهلوی اول و دوم زندگی می‌کردند از مشاغل بخش کشاورزی به صنعت و تعداد کمتری

نیز از کشاورزی و صنعت به بخش خدمات تغییر شغل داده بودند. در بین کارگران تولیدی، ۱۸٪ تحرک نزولی و ۳۴٪ تحرک صعودی ملاحظه شد، اما کارکنان دفتری ۲۶٪ تحرک نزولی و ۳۴٪ تحرک صعودی را تجربه کردند. در طبقه متوسط سستی یا کسبه و پیشه‌وران نیز ۳۴ درصد تحرک نزولی و ۳۸٪ تحرک صعودی دیده شد. در کارگران خدماتی سطح پایین تنها ۳ درصد تحرک نزولی اما ۸۷٪ تحرک صعودی رخ داده بود و در صاحبان مشاغل حرفه‌ای سطح بالا ۶۴٪ تحرک نزولی و ۱۸٪ تحرک صعودی به چشم می‌خورد. در آن سالها، الگوی تحرک بین نسلی در شیراز و تهران نیز تقریباً مشابه بوده است (اشرف و بنوعیزی، ۱۳۸۷: ۱۱۲). در پژوهشی دیگر، مقدس (۱۳۷۴) با بهره‌گیری از یک نمونه ۲۲۰۰ نفری شاغلین در دو شهر شیراز و یاسوج دریافت که در شیراز تحرک صعودی اما در یاسوج تحرک افقی شایع‌تر است و در شیراز، زنان برای تحرک بیش از مردان متکی به تحصیلات خود و همسرانشان هستند. شهلا کاظمی پور (۱۳۷۸) نیز با مطالعه در بین ۱۵۰۰ نفر از ساکنان مناطق مختلف شهر تهران متوجه شد تقریباً ۳۹٪ همان جایگاه طبقاتی پدران خود را حفظ کرده‌اند (بازتولید اجتماعی) اما تقریباً ۶۱٪ پاسخگویان تحرک اجتماعی داشته‌اند. عوامل عمده تحرک اجتماعی در تهران را خاستگاه جغرافیایی، سواد و تحصیلات، منزلت شغلی، سن ازدواج، پایگاه طبقاتی خود فرد و پدر او تشکیل می‌داد. در دهه ۸۰ شمسی، سفیری و ایمانی (۱۳۸۵) طی پژوهشی دریافتند دختران و زنان تهرانی پیشرفت بین نسلی داشته و در این مسیر، درآمد والدین، تحصیلات، و سن ازدواج پاسخگویان نقش داشته است. در آغاز دهه ۹۰ شمسی، پژوهش زارع و لطفی (۱۳۹۱) در کرمانشاه نشان داد حدود ۱۹٪ افراد مورد بررسی تحرک صعودی، تقریباً ۲۶٪ تحرک افقی، در حدود ۳۰٪ تحرک نزولی داشته‌اند و عواملی چون سرمایه اجتماعی خانواده، پایگاه اجتماعی اقتصادی و تحصیلات فرد در ارتقاء افراد نقش داشته‌اند. در اواسط دهه ۹۰ شمسی، پژوهش غفاری و حقیقتیان (۱۳۹۵) در شهر گرگان نشان داد عواملی چون جنسیت، سطح آموزش بالا، مدارک تحصیلی و شغلی، و مهارت‌های علمی و آموزشی (سرمایه فرهنگی) افراد را به جایگاه اجتماعی بالاتر سوق می‌دهد. همچنین پژوهش قائمی زاده، مبارکی و محمودزاده (۱۳۹۶) نشان داد در شهر خوی تحرک شغلی نسبتاً وسیع (۵۱٪) اما تحرک طبقاتی محدودتر (۳۲٪) است. همچنین، معلوم شد عواملی چون سرمایه اقتصادی و فرهنگی، نوع شغل و طبقه اجتماعی والدین در دستیابی فرزندان به پیشرفت و تحرک قابل توجه بوده است. اخیراً پژوهش غلامی و فلاحتی (۱۳۹۸) در زمینه تحرک اجتماعی مهاجرین افغانستانی ساکن در شهر کاشان نشان داده است سرمایه فرهنگی کسب شده، اعتماد اجتماعی، و عدم اعتقاد به تقدیر و سرنوشت بیش از عوامل دیگر بر تحرک بین نسلی مهاجران افغانستانی اثرگذار بوده‌اند. در حقیقت، اعتماد به خویشاوندان، مطالعه، آشنایی با زبان انگلیسی، ورزش، و تلاش زیاد برای نیل به هدف، عواملی هستند که در تحرک بین نسلی مهاجرین افغانستانی ساکن کاشان نقش عمده دارند. نهایتاً به پژوهش حسینی (۱۳۹۸) می‌توان اشاره کرد که تحرک شغلی بین نسلی مردان را در ایران طی سالهای ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۵ مورد کنکاش قرار داده و نتایج پژوهش بیانگر کاهش ملایم تحرک شغلی در سالهای ۱۳۸۵-۱۳۷۵ و سپس افت شدیدتر در بازه زمانی ۱۳۹۰-۱۳۸۵ است اما طی سالهای ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ تحرک شغلی تفاوت جدی با دوره قبل از خود نداشته است. بر اساس یافته‌ها، بخش اصلی کاهش تحرک شغلی در این دوره به دلیل سخت‌تر شدن دستیابی به مشاغل بخش دولتی برای فرزندان است که پدرشان در این بخش شاغل نیستند. در کنار پژوهش‌هایی که ذکر شد، ادبیات جامعه‌شناختی نیز حاوی نظریات مهمی جهت تبیین تحرک اجتماعی است که برخی از آنها چهارچوب اصلی پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهد.

۳- مبانی نظری

در بین صاحب‌نظران معاصر ابعاد تحرک اجتماعی، عوامل موثر بر آن، موانع پیش روی آن، و استراتژی‌هایی که انسانها برای ارتقاء و تحرک در پیش می‌گیرند همواره مد نظر قرار داشته است. فرانک پارکین در نظریه انسداد اجتماعی عمدتاً به موانع تحرک اجتماعی در جوامع معاصر پرداخته و به مکانیزمهای گوناگونی اشاره می‌کند که امروزه توسط گروههای مسلط در حوزه اقتصاد، آموزش، سیاست و... بکار گرفته شده و راه پیشرفت و تحرک اجتماعی را بر بسیاری از افراد و گروهها مسدود می‌سازند. این مکانیزم‌ها زمانی به اوج قدرت خود میرسند که تبدیل به قوانین و مقرراتی شده و رسماً مانع دستیابی به موقعیت‌ها و در نتیجه تحرک اجتماعی افراد شوند.

در این زمینه، نگاه بوردیو عمدتاً ناظر بر مکانیزمهای بازتولید اجتماعی است و جوامع معاصر را بیشتر علاقمند به بازتولید اجتماعی می‌داند تا تحرک، و به زعم وی، علیرغم باز بودن فضای تحرک، مکانیزم‌های حفظ نظم اجتماعی موجود در اکثر کشورها غلبه دارند. این باز تولید اجتماعی به کمک استراتژی‌های گوناگونی برای حفظ یا تملک سرمایه در خرده فضاهای اجتماعی متفاوت توسط افراد و گروهها صورت می‌گیرد. وی انواع استراتژی‌های باز تولید را شامل استراتژی‌های سرمایه‌گذاری زیستی، وراثتی، اقتصادی، آموزشی فرهنگی و سرمایه‌گذاری‌های اجتماعی و نمادین دانسته و در هریک از استراتژیهای ذکر شده به راهبردهایی اشاره کرده است که به انتقال پایگاه اجتماعی اقتصادی از والدین به فرزندان کمک می‌کنند (بون ویتز، ۱۳۹۱: ۸۳). از سوی دیگر، در تبیین تحرک اجتماعی، بوردیو هم به ساختار و زمینه اجتماعی و هم به کنش و نگرش افراد توجه دارد و در نگاه

وی، تحرک اجتماعی افراد از یکطرف متأثر از زمینه خانوادگی است و خانواده در شکل دادن به شخصیت، منش، خلق و خو، ارزشها، هنجارها و گرایشهای افراد، به ویژه در حوزه کار و شغل موثر است. از سوی دیگر تحت تأثیر عادات، ارزش ها، هنجارها و باورهاست (عوامل فرهنگی) که آنها نیز در پیوند با شرایط، زمینه ها، و فرایندهای اجتماعی شدن قرار دارند. در حقیقت، فرهنگ و ارزشها و... در اندیشهٔ بوردیو با زمینه های ساختاری، طبقاتی و خانوادگی گره خورده اند (نایی، ۱۳۹۰: ۱۰).

در همین رابطه، آنتونی گیدنز در نظریه ساخت یابی خود، همچون مارکس باور دارد هرچه تحرک اجتماعی در جامعه کمتر و بازتولید اجتماعی بیشتر باشد، تثبیت ساختار طبقاتی و هویت یابی طبقاتی بیشتری به همراه خواهد داشت (گرب، ۱۳۷۳: ۲۰۱). وی در تشریح موانع تحرک همانند پارکین به برخی مکانیزمهای مسدود کننده مسیر پیشرفت و ارتقاء انسانها می پردازد. علاوه بر این، گیدنز و ساندرا پم بر تأثیر جنسیت و کلیشه های جنسیتی بر روی امکان تحرک اجتماعی بویژه برای زنان تأکید کرده اند. از نگاه پم، طرحواره ها و کلیشه های جنسیتی یکسری قالبهای فکری اند که انتظارات نقش جنسیتی افراد را برحسب جنس بیولوژیکی آنها تعیین می کنند و هرچقدر این کلیشه های جنسیتی در جامعه بیشتر باشد - مانند جوامع سنتی - فرصتهای تحرک و پیشرفت برای زنان محدود تر خواهند بود (مقدم، ۱۳۹۷: ۶۱). البته گیدنز ضمن قبول واقعیات جدید از جمله حضور گسترده زنان در مدارس عالی و دانشگاهها به وجود موانع متعددی در مسیر تحرک آنان اشاره کرده است که این موانع همچون یک سقف شیشه ای مانع ارتقاء شغلی و سازمانی زنان بویژه در پستهای مدیریتی می شوند. برخورد تبعیض آمیز مدیران و کارفرمایان با زنان شاغل، و پیشداوری منفی در اینکه آنها با تشکیل خانواده شغل خود را رها کرده و می باید بین کار و فرزندپروری یکی را نهایتاً انتخاب کنند و بنابراین نمی توان روی مسئولیت پذیری حرفه ای آنان حساب باز کرد، از جمله موانعی است که بنظر گیدنز مسیر تحرک اجتماعی زنان را دشوار می سازد. (گیدنز، ۱۳۹۷: ۴۴۱).

بدین ترتیب، نظریه های جامعه شناختی نیز هرکدام از زاویه های مختلفی به تحرک اجتماعی، بازتولید اجتماعی، عوامل و موانع موثر بر آن، و استراتژیهایی که برای تحقق آن به کار گرفته می شود نگریسته اند و پژوهش حاضر از این چشم اندازهای نظری و مطالعات پیشین در استخراج متغیرها، شاخصها و تدوین فرضیات پژوهش بهره برده است.

۴-روش تحقیق

پژوهش حاضر یک پیمایش اجتماعی است و جامعه آماری پژوهش را شهروندان شاغل ۲۵ تا ۶۴ ساله با جمعیت ۹۳۸۲۶ نفر تشکیل داده اند که بر اساس آمار منتشره تفصیلی شهرهای استان اصفهان در سال ۱۳۹۵ در محدوده قانونی شهر کاشان زندگی می کردند. با بهره گیری از فرمول کوکران تعداد ۳۸۳ نفر بعنوان جمعیت نمونه تعیین و برای جبران پرسشنامه های مخدوش تعداد ۱۵ پرسشنامه اضافه در نظر گرفتیم اما در نهایت ۳۸۵ پرسشنامه مطلوب جمع آوری شده و حجم نهایی نمونه را تشکیل داد. شیوه نمونه گیری پژوهش، خوشه ای چند مرحله ای بوده و در این راستا، ابتدا با در نظر گرفتن مناطق و نواحی پنجگانه شهر کاشان براساس آمارهای سال ۱۳۹۵ به نسبت جمعیت هر یک از مناطق ۵ گانه، تعداد نمونه های لازم در هر منطقه مشخص شد. سپس، به تصادف از هر یک از مناطق ۵ گانه یک ناحیه به قید قرعه انتخاب و نهایتاً در هر یک از ناحیه های برگزیده، دو خیابان از مجموعه خیابان های آن ناحیه به تصادف انتخاب و در محدوده آن خیابانها پرسشگری صورت گرفت. جهت گردآوری اطلاعات مورد نیاز در این پژوهش دو پرسشنامه محقق ساخته طراحی و تنظیم گردید. پرسشنامه نخست به منظور سنجش "منزلت شغلی" مرکب از ۹۹ عنوان شغلی رایج در کاشان در ابتدای کار تنظیم و پس از مشاوره با ۱۲ نفر از کارشناسان و افراد خبره اصلاحاتی در آن انجام و بصورت نهایی در آمد و اعتبار آن صوری بوده است. پرسشنامه دوم جهت سنجش "تحرک اجتماعی" شامل ۳۲ گویه شامل ۱۱ سوال باز و ۲۱ سوال بسته بوده و اعتبار آن، اعتبار سازه و پایایی خرده مقیاسهای اصلی از طریق آزمون آلفای کرونباخ سنجیده شد که مشخص شد ضرایب آلفای عوامل فرهنگی، عوامل اقتصادی و عوامل خانوادگی به ترتیب ۰/۶۰، ۰/۵۹، و ۰/۷۵ می باشد.

۴-۱-تعریف متغیرهای پژوهش

۴-۱-۱-تحرک اجتماعی

تحرک اجتماعی، جابه جایی افراد در پایگاهها و قشرهای مختلف نظام سلسله مراتبی جامعه است و شامل دو نوع تحرک میان نسلی و درون نسلی است (کوئن، ۱۳۷۰: ۲۶۲). در این پژوهش، برای سنجش تحرک و بازتولید اجتماعی از معیار منزلت و جایگاه شغلی که مبنای کار بسیاری از محققان (نایی و عبداللهیان، ۱۳۸۱) نیز بوده است استفاده شد. مقایسه منزلت شغلی پاسخگو و جایگاه شغلی پدر وی امکان سنجش تحرک بین نسلی و بازتولید اجتماعی را فراهم می سازد. در این پژوهش، سطح سنجش متغیر تحرک اجتماعی رتبه ای بوده و شامل درجاتی از بیشترین میزان تحرک نزولی تا بیشترین میزان تحرک صعودی است. با توجه به

طبقه بندی هفت گانه منزلت مشاغل در کاشان سطوح تحرک اجتماعی از ۶- درجه تحرک نزولی تا ۶+ درجه تحرک صعودی را در بر گرفته و عدد صفر در این بازه نشانگر قطر جدول و مجموعه افراد بدون تحرک است.

۴-۱-۲- جایگاه و منزلت شغلی

جایگاه و منزلت شغلی بیانگر موقعیت اجتماعی هریک از مشاغل موجود در سلسله مراتب موقعیتهای یک جامعه است. درحوزه قشربندی اجتماعی، روشهای متعددی جهت تعیین جایگاه و منزلت شغلی وجود دارد که عبارتند از روشهای عینی، ذهنی، و اشتهازی. (ریزمن و انگویتا، ۱۳۸۳: ۹۰). برای سنجش منزلت و جایگاه شغلی در پژوهش حاضر از دو روش ذهنی و اشتهازی بطور همزمان استفاده شده است. در ابتدا، با مراجعه به مجموعه مقالات کاشان شناسی پیرامون مشاغل که طی دهه های اخیر در کاشان رواج داشته است فهرستی از ۹۰ عنوان شغلی استخراج و ضمن مشاوره با برخی صاحبزنان، فهرست مربوطه اصلاح و تکمیل و نهایتاً ۹۹ عنوان شغلی در لیست نهایی تنظیم گردید. لیست نهایی مشاغل در اسفند ۱۴۰۲ به شیوه نمونه گیری خوشه ای در اختیار یکصد نفر از مردم قرار گرفت تا به جایگاه و منزلت هریک از مشاغل از صفر تا صد امتیاز بدهند. سپس میانگین نمره هریک از مشاغل محاسبه و رقم های اعشاری بدست آمده نیز همگی گرد شدند. جهت افزایش ضریب دقت نظرسنجی، نظرات گروهی از داوران پرستیز "شامل ۱۲ نفر از متخصصان، اساتید دانشگاه و برخی صاحبان حرفه ها و مشاغل با تجربه شغلی بیش از ۲۰ سال که اهل کاشان هستند نیز پرسیده شده و سپس میانگین نمرات بدست آمده از داوران با میانگین نمرات بدست آمده از مردم در باره منزلت مشاغل ۹۹ گانه مقایسه و رابطه میان آندو به کمک آزمون همبستگی پیرسون سنجش شد. نتیجه حاصله (sig= 0/000 و r=0/575) نشان داد میان نظرات مردم و داوران همبستگی خوبی وجود دارد و از اینرو نظرات مردم می تواند مبنای طبقه بندی جایگاه و منزلت مشاغل در این شهر قرار گیرد. با توجه به دامنه تغییر نمرات بین حداقل و حداکثر نمره که معادل با ۳۶ نمره بوده است (۳۳-۶۹) جایگاه و منزلت اجتماعی مشاغل به ۷ گروه طبقه بندی شد که ضمن الهام از مدل قشربندی وارنر و سنترز (ریزمن و انگویتا، ۱۳۸۳: ۱۵۲-۱۴۰) سلسله مراتب منزلت شغلی از جایگاه بسیار بالا تا بسیار پایین را در برمی گیرد. در جدول شماره یک موقعیت گروههای شغلی به همراه نمرات میانگین آنها منعکس شده است:

جدول ۱- جایگاه و منزلت مشاغل و میانگین نمرات هر کدام در شهر کاشان

جایگاه شغلی	مشاغل رایج و میانگین نمره منزلت آنها
بسیار بالا (۶۶-۷۰)	پزشک متخصص (۶۹)، دندانپزشک (۶۸)، خلبان، کارخانه دار فرش و گلیم و... (۶۶)،
بالا (۶۰-۶۵)	استاد دانشگاه (۶۳)، تاجر بازار (۶۲)، پزشک عمومی، دبیر، مربی، آموزگار (۶۱)
متوسط رو بالا (۵۴-۵۹)	طلا و جواهر فروش (۵۹)، صاحب داروخانه، پرستار، ماما (۵۷)، وکیل (۵۶)، مدیر شرکت خصوصی، راننده قطار (۵۵)، برنامه نویس کامپیوتر (۵۴)،
متوسط (۴۸-۵۳)	رییس شعبه بانک، مهندس راه و ساختمان، مهندس کشاورزی و معدن (۵۳)، مالک معدن سنگ، فرش فروش، کشاورز زمیندار، باغدار، قالی باف، شراباف، زیلوباف، مکانیک ماشین و موتور، پلیس راهنمایی رانندگی، ارتشی، بهیار، مددکار، مشاور (۵۲)، هتل دار، قاضی، سرتیپ ارتش، دامپزشک، معمار، تراشکار، جوشکار، صافکار و نقاش ماشین (۵۱)، مدیر آزمایشگاه پزشکی، تولید کننده لباس و پوشاک، هنرمند خطاط، نقاش، تذهیب کار، نانوا، شیرینی پز، کارگر کشاورزی و گاوداری (۵۰)، مدیر مدرسه، دفتر دار ثبت اسناد، صاحب گاوداری، مرغداری، صاحب چلوکبابی، رستوران، کله پزی، سبزی کار، جالیزکار، گندم کار، پاسدار، نیروی انتظامی (۴۹)، صاحب چاپخانه و انتشارات، کارگردان تئاتر و سینما، تولید کننده مبیل و لوازم چوبی، کارگر کارخانه و معدن، (۴۸)،
متوسط رو به پایین (۴۲-۴۷)	تکنیسین آزمایشگاه، وزیر، شهردار، مجری صدا و سیما، کتاب و لوازم التحریر فروش، سرکارگر کارخانه، تعمیرکار لوازم منزل، سنگ کار، کاشیکار، گچکار، آهنگر، نجار، بنا، راننده کامیون و تریلی و اتوبوس، زنبوردار و تولید کننده عسل، تولید کننده گلاب و عرقیات، تولید کننده مواد غذایی - لبنی (۴۶)، فرماندار، معاون اداره و سازمان، خبرنگار و روزنامه نگار، بقال، مغازه دار، گل فروش (۴۵)، استاندار، سردار پاسدار، سردبیر روزنامه، پیمانکار شرکتها، سلمانی و آرایشگر، فروشنده کامپیوتر و لوازم صوتی تصویری و... طراح و مجری وب سایت، راننده تاکسی و اتوبوس شهری، لوله کش، برقکار، نقاش ساختمان، عطار، نگهبان، (۴۴)، امام جمعه، کارمند دولت، تزییناتی (۴۳)، سفیر، مدیر کل نهادهای دولتی، بیمه گذار، تعمیر کار کیف و کفش،
پایین (۳۶-۴۱)	نماینده مجلس، آشپز رستوران و فست فود، اغذیه و ساندویچ فروش، قصاب، نظافتچی، آبدارچی، باربر، چله دوان، رنگرز، سرجه پیم، مسگر، سفال گر، لحافدوز، پنبه زن، کارگر ساختمان، پمپ بنزن، (۴۱)، مدیر آژانس مسافرتی (۳۹)، راهنمای گردشگری (۳۸)، روحانی، امام جماعت، صاحب بنگاه املاک (۳۷)
بسیار پایین (۳۰-۳۵)	تایپیست، منشی (۳۵)، حمامی (۳۳)،

۴-۱-۳- عوامل فرهنگی

عوامل فرهنگی مجموعه ای از روابط، معلومات، اطلاعات و امتیازاتی است که فرد برای بدست آوردن یا حفظ کردن یک موقعیت از آن استفاده میکند (قدیمی، ۱۳۹۹: ۲۱۵). این مفهوم هم شامل سرمایه تخصصی و تحصیلی است و هم در بر دارنده برخی عادات و تعصبات و حتی رفتارهایی است که ریشه در فرهنگ جامعه و یا خانواده داشته و می توانند در تحرک و پیشرفت افراد نقش داشته باشند. در این پژوهش، عوامل فرهنگی به کمک شاخصهایی چون: تحصیلات، کیفیت تحصیل، آموزش های تخصصی مهارتی، و عادات فرهنگی پاسخگویان مورد بررسی قرار گرفته و سطح سنجش این مقیاس نیز فاصله ای است. حداقل نمره ممکن در این مقیاس معادل ۴ و حداکثر نمره ۲۳ و در نتیجه حد متوسط یا میانگین نظری ۱۳٫۵ بوده است.

۴-۱-۴- عوامل اقتصادی

عوامل اقتصادی در تعریف وبر و مارکس بیش از هر چیز به معنای قدرت اقتصادی بویژه مالکیت و داراییهای مادی مانند سرمایه، ثروت مادی، پول، ابزار تولید، زمین، مسکن، لوازم و اشیا قیمتی و... است (بشیری، ۱۳۷۶: ۵۳) هرچند سوروکین برخی ابعاد کار و شغل را نیز در زمره عوامل اقتصادی می داند. در این پژوهش، عوامل اقتصادی با توجه به شاخصهایی چون: منطقه محل سکونت و متراژ منزل مورد سنجش قرار گرفته و سطح سنجش این مقیاس نیز فاصله ای است. حداقل نمره ممکن در این مقیاس معادل ۲ و حداکثر نمره ۶ و حد متوسط یا میانگین نظری این مقیاس نیز برابر با ۴ می باشد.

۴-۱-۵- عوامل خانوادگی

عوامل خانوادگی شامل آندسته خصوصیات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خانواده پدري می شود که بطور مستقیم یا غیر مستقیم بر روی تحرک بویژه پیشرفت فرزندان اثر گذار هستند. در پژوهش حاضر عوامل خانوادگی از طریق شاخصهای چهار گانه ای چون: جایگاه شغلی پدر، تحصیلات پدر و مادر، و انتظارات تحصیلی والدین از فرزند مورد مطالعه و سنجش قرار گرفته و سطح سنجش این مقیاس نیز فاصله ای است. حداقل نمره ممکن در این مقیاس معادل ۴ و حداکثر نمره معادل ۲۶ و میانگین نظری مقیاس نیز ۱۷ خواهد بود.

۴-۱-۶- استراتژی های تحرک و بازتولید اجتماعی

استراتژی، عبارت است از اقداماتی آگاهانه، برنامه ریزی شده و زمانمند به منظور دستیابی به اهدافی معین. در اینجا استراتژی ها ناظر به سرمایه گذاری هایی هستند که خود افراد یا خانواده های آنان عمدتاً به منظور حفظ موقعیت شغلی و یا ارتقاء فرزندان به موقعیتهای بالاتر انجام می دهند. در پژوهش حاضر، استراتژی های تحرک صعودی یا ارتقاء - و بازتولید اجتماعی - در انواع پنجگانه استراتژی های آموزشی، اجتماعی، زیستی، اقتصادی و سیاسی تعیین و به کمک شاخصهای برگرفته از نظرات بورديو و پیشینه مورد سنجش قرار گرفته و سطح سنجش این مقیاس اسمی است. نمایی از ابعاد، شاخصها و سطح سنجش این متغیر در جدول شماره ۲ آمده است.

جدول ۲- ابعاد، شاخصها، و سطح سنجش استراتژی های تحرک و باز تولید اجتماعی

متغیر	ابعاد	شاخصها	سطح سنجش
استراتژی های ارتقاء و بازتولید	آموزشی اجتماعی زیستی اقتصادی سیاسی	* سرمایه گذاری در یادگیری زبانهای خارجی، کسب دانش و مهارت در رشته های خاص و مورد نیاز، تحصیل تا مقاطع بالای دانشگاهی، * ارتباط با مدیران و مسئولان ادارات شهر، روحانیون بانفوذ، مقامات نظامی و امنیتی * تاخیر در ازدواج، فرزندآوری اندک، سرمایه گذاری روی تغذیه، ورزش، حفظ سلامتی و... * انتقال دارایی، ملک و میراث به فرزندان، سرمایه گذاری اقتصادی و پس انداز و... برای فرزندان * زمینه سازی برای نزدیک شدن به کانون های قدرت، ازدواج با فرزندان مسئولین، تلاش برای استخدام در مشاغل امنیتی، سپاه، ورود به حوزه علمیه و ...	اسمی

۵- یافته های پژوهش

الف. ویژگی های پاسخگویان

نمونه مورد مطالعه شامل ۷۸/۴٪ مردان و ۲۱/۶٪ زنان شاغل بوده است. میانگین سنی پاسخگویان تقریباً ۳۹ سال، اکثریت پاسخگویان اهل کاشان، و تنها ۱۷٪ مهاجر بوده اند. یک چهارم پاسخگویان (۲۵/۷٪) تحصیلات دیپلم و پیش دانشگاهی دارند، یک چهارم لیسانس (۲۴/۷٪) و بقیه زیر دیپلمه اند. کیفیت تحصیل دوسوم پاسخگویان (تقریباً ۷۰٪) در سطح متوسط و با معدل های ۱۴ تا ۱۷ بوده است. سطح تحصیلات حداقل دوسوم والدین پاسخگویان زیر دیپلم بوده اما اکثریت آنان توقع داشته اند فرزندان شان تحصیلات دانشگاهی را تا سطوح لیسانس و بالاتر ادامه دهند. اغلب پاسخگویان متأهل و در محلات سطح متوسط یا گرانقیمت و خانه های بیش از ۷۵ متر ساکن اند. به لحاظ شغلی، تقریباً ۹۰٪ جامعه مورد بررسی از سن ۲۵ سالگی شروع به کار کرده اند و شغل اولیه اکثریت آنان (۸۷٪) مشاغل سطح متوسط بوده و هم اکنون نیز نیمی از آنها (۵۲٪) همچنان در مشاغل سطح

متوسط مشغول فعالیت هستند، همچنین، ۴۵٪ پاسخگویان از موقعیت شغلی خود رضایت دارند. بیش از نصف پدران پاسخگویان (۵۶/۴٪) دارای مشاغل سطح متوسط و کمتر از یک درصد پدران دارای شغل هایی با جایگاه بسیار بالا بوده اند. میانگین نمره عوامل فرهنگی پاسخگویان کمتر از متوسط (۱۱/۹۵)، میانگین نمره عوامل اقتصادی کمی بالاتر از متوسط (۴/۳۲)، و میانگین نمره عوامل خانوادگی نیز کمتر از متوسط (۱۱/۳) بوده است.

بر اساس یافته ها، ۴۱/۸٪ افراد مورد مطالعه جایگاه پدران خود را بازتولید کرده و هنوز در همان موقعیت پدران خود قرار دارند. در افرادی که "تحرك و ارتقاء بین نسلی" داشته اند عمده ترین استراتژی های بکارگرفته شده توسط والدین پاسخگویان به ترتیب استراتژی های آموزشی (۳۶٪) و زیستی (۲۵/۲٪) بوده است. همچنین، برای "باز تولید اجتماعی" و انتقال جایگاه شغلی خود به فرزندان نیز، اکثریت نسبی والدین (۵۵/۳٪) از استراتژی های آموزشی (۲۹/۲٪) و زیستی (۲۶/۱٪) تقریباً به یک اندازه استفاده کرده اند. آنها ضمن حمایت از فرزندان خود برای تحصیل و آموزشهای مهارتی و تخصصی، ورزش، تقویت سلامتی جسمی و روحی، مدیریت بدن و پیشگیری از بیماریها و تندرستی، سعی در فرزندآوری به میزان متعادل داشته اند تا بدینوسیله زمینه برای پیشرفت و حداقل حفظ موقعیت خانوادگی توسط فرزندان فراهم گردد.

ب. تشریح جدول تحرك بین نسلی

چنانچه قبلاً ذکر شد، با مقایسه جایگاه شغلی پاسخگویان و موقعیت شغلی پدران آنها می توان جدول تحرك بین نسلی را ترسیم نمود. براساس نتایج بدست آمده، جدول متقاطع شماره ۳ تنظیم شده که در آن اعداد مندرج در قطردیagonal (دیاگونال) میزان عدم تحرك، اعداد نیمه بالایی دیاگونال، میزان تحرك صعودی، و اعداد نیمه پایینی دیاگونال نیز میزان تحرك نزولی پاسخگویان نسبت به جایگاه و موقعیت پدران شان را نشان می دهد.

جدول ۳- توزیع فراوانی تحرك بین نسلی پاسخگویان (برحسب نفر)

شغل کنونی پاسخگویان	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	جمع
۱. مشاغل سطح بسیار پایین	۰	۰	۰	۳	۰	۰	۰	۳
۲. مشاغل سطح پایین	۰	۴	۸	۱۲	۰	۱	۰	۲۵
۳. مشاغل متوسط رو به پایین	۰	۱	۳۸	۶۹	۲	۷	۰	۱۱۷
۴. مشاغل سطح متوسط	۰	۳	۷۵	۱۱۳	۴	۵	۰	۲۰۰
۵. مشاغل متوسط رو به بالا	۰	۰	۹	۱۰	۳	۲	۱	۲۵
۶. مشاغل سطح بالا	۰	۰	۲	۹	۰	۲	۰	۱۳
۷. مشاغل سطح بسیار بالا	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۱	۲
جمع	۰	۷	۱۳۳	۲۱۷	۹	۱۷	۲	۳۸۵ نفر

نتایج جدول ۳ نشان می دهد جمعا تعداد ۱۶۱ نفر یا ۴۱/۸٪ از پاسخگویان در قطردیagonal ثبت شده اند که بیانگر میزان عدم تحرك بین نسلی یا بازتولید اجتماعی است. به عبارتی، یکنفر از هر ۲،۵ نفر همان موقعیت و جایگاه اجتماعی اقتصادی پدران خود را بازتولید کرده است. متقابلاً ۲۲۴ نفر یا ۵۸/۲٪ پاسخگویان تحرك اجتماعی اعم از صعودی و نزولی داشته اند. از این گروه، تعداد ۱۱۴ نفر یا ۲۹/۶٪ که در نیمه بالایی دیاگونال قرار دارند تحرك صعودی بین نسلی داشته و توانسته اند جایگاه و موقعیت اجتماعی خود را نسبت به نسل قبل یعنی پدران خود ارتقاء دهند. همچنین، تعداد ۱۱۰ نفر یا ۲۸/۶٪ که در نیمه پایینی دیاگونال قرار دارند تحرك نزولی بین نسلی داشته و موقعیت و جایگاه آنها نسبت به پدران شان تنزل یافته است. علاوه بر این، شمارش افرادی که در اولین، دومین، سومین و چهارمین ردیف اُرب از نیمه بالایی قطر جدول قرار دارند این امکان را فراهم می سازد تا درجات مختلف تحرك صعودی بین نسلی (ارتقاء) پاسخگویان را مشخص کنیم. همچنین، شمارش افرادی که در اولین، دومین، سومین و چهارمین ردیف اُرب از نیمه پایینی قطر جدول قرار دارند درجات مختلف تحرك نزولی بین نسلی را بدست می دهد. بر این اساس، "مدرج تحرك بین نسلی" پاسخگویان در جدول ۴ ارائه می گردد:

*جدول ۴- مدرج تحرك بین نسلی پاسخگویان

ارتقاء یافتگان نسبت به جایگاه پدران خود	فراوانی	درصد
یک درجه ارتقاء (تحرك صعودی کوتاه برد)	۸۳ نفر	۷۲/۸٪
دو درجه ارتقاء (تحرك صعودی میان برد)	۲۰ نفر	۱۷/۵٪
سه درجه ارتقاء و بیشتر (تحرك صعودی دوربرد)	۱۱ نفر	۹/۷٪
جمع کل	۱۱۴ نفر	۱۰۰٪
تنزل یافتگان نسبت به جایگاه پدران خود	فراوانی	درصد
یک درجه تنزل (تحرك نزولی کوتاه برد)	۸۶ نفر	۷۸/۱٪
دو درجه تنزل (تحرك نزولی میان برد)	۲۱ نفر	۱۹٪
سه درجه تنزل (تحرك نزولی دوربرد)	۳ نفر	۲/۷٪
جمع کل	۱۱۰ نفر	۱۰۰٪

علاوه بر شناخت کلی تحرک بین نسلی و درجات آن در جامعه مورد مطالعه، شناسایی فراز و فرودهایی که در هر یک از طبقات شغلی هفتگانه در این زمینه وجود دارد نیز بیش تازه ای بدست خواهد داد. برای دریافت تصویر بهتری از تحرک بین نسلی، در جدول شماره ۵ توزیع نسبی تحرک بین نسلی پاسخگویان به تفکیک موقعیت های شغلی هفت گانه تنظیم و ارائه شده است.

جدول ۴- توزیع نسبی تحرک بین نسلی پاسخگویان (%)

شغل کنونی پاسخگویان	شغل پدر پاسخگویان							جمع
	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	
۱. مشاغل سطح بسیار پایین	%۰	%۰	%۰	%۱۰۰	%۰	%۰	%۰	%۱۰۰
۲. مشاغل سطح پایین	%۰	%۱۶	%۲۲	%۴۸	%۰	%۴	%۰	%۱۰۰
۳. مشاغل سطح متوسط رو به پایین	%۰	%۰٫۹	%۳۲/۵	%۵۹	%۱/۷	%۶	%۰	%۱۰۰
۴. مشاغل سطح متوسط	%۰	%۱/۵	%۳۷/۵	%۵۶/۵	%۲	%۲/۵	%۰	%۱۰۰
۵. مشاغل سطح متوسط رو به بالا	%۰	%۰	%۲۶	%۴۰	%۱۲	%۸	%۴	%۱۰۰
۶. مشاغل سطح بالا	%۰	%۰	%۱۵/۴	%۶۹/۲	%۰	%۱۵/۴	%۰	%۱۰۰
۷. مشاغل سطح بسیار بالا	%۰	%۰	%۰	%۵۰	%۰	%۰	%۵۰	%۱۰۰
جمع	%۰	%۲/۱	%۳۴/۳	%۵۶/۴	%۲/۳	%۴/۴	%۰/۵	%۱۰۰

نتایج جدول ۵ نشان می دهد کلیه پاسخگویانی که جایگاه شغلی پدران آنها در سطح بسیار پایین بوده (۱۰۰٪) توانسته اند با سه درجه ارتقاء، یکنوع تحرک صعودی دوربرد را تجربه کنند. نتیجه ای که با نتایج اغلب مطالعات تحرک اجتماعی همسو است و نشان می دهد تحرک اجتماعی فرزندان طبقات پایین جامعه بیش از تحرک فرزندان بقیه طبقات است. در بین پاسخگویانی که مشاغل پدرانشان در سطح پایین بوده است ۱۶٪ همان جایگاه پدرانشان را حفظ کرده اند، اما بقیه ارتقاء یافته اند که از این میان ۳۲٪ پاسخگویان به میزان یک درجه (مثلا شغل پدر مسگری (۲) بوده اما فرزند کاشی کار (۳) است)، ۴۸٪ به میزان دو درجه (مثلا پدر کارگر ساختمان یا لحافدوز (۲) بوده اما فرزند در حال حاضر حسابدار یا پارچه فروش (۴) است)، و ۴٪ پاسخگویان این گروه نیز چهار درجه نسبت به پدران خود ارتقاء یافته اند. به عبارتی، یک سوم پاسخگویان در این گروه، تحرک میان نسلی صعودی کوتاه برد، تقریباً نیمی از پاسخگویان تحرک صعودی میان برد، و اندکی نیز تحرک صعودی دور برد را تجربه کرده اند. ۳۲٪ از پاسخگویانی که شغل پدرانشان در سطح متوسط رو به پایین بوده است - تا زمان پژوهش - همان جایگاه شغلی پدر را حفظ کرده اند (پدر و فرزند هر دو کارمند دولت یا مغازه دار (۳) بوده اند) اما بقیه تحرک صعودی داشته و از این میان ۵۹٪ پاسخگویان به میزان یک درجه (پدر کارمند (۳) بوده اما فرزند داروساز (۵) است)، و ۰/۶٪ نیز سه درجه نسبت به پدران خود ارتقاء یافته اند (مثلا پدر کارمند دولت (۳) بوده اما فرزند مدرس و دبیر (۶) است). ۰/۹٪ پاسخگویان نیز نسبت به پدران خود یک درجه تحرک نزولی داشته و به مشاغلی پایین تر تنزل پیدا کرده اند، مثلاً پدر راننده (۳) اما فرزند در بنگاه املاک (۲) است. ۵۶/۵٪ پاسخگویانی که مشاغل پدرانشان در سطح متوسط بوده است همان جایگاه شغلی پدرانشان را حفظ و بازتولید کرده اند. اما ۲٪ پاسخگویان به میزان یک درجه (پدر نظامی (۴) بوده اما فرزند عضو پرسنل داروخانه (۵) است)، و ۲/۵٪ به میزان دو درجه نسبت به پدران خود ارتقاء یافته اند (مثلاً پدر کشاورز یا بافنده (۴) بوده اما فرزند دبیر و یا مدرس دانشگاه (۶) شده است). در همین حال، ۲۷/۵٪ پاسخگویان نسبت به پدران خود یک درجه تنزل، و ۱/۵٪ نیز دو درجه تنزل جایگاه داشته اند (مثلاً پدر کشاورز (۴) بوده اما فرزند نظافتچی و یا آشپز (۲) شده است). در بین پاسخگویانی که مشاغل پدرانشان در سطح متوسط رو به بالا بوده است ۱۲٪ تا زمان تحقیق حاضر در همان جایگاه شغلی پدرانشان باقی مانده اند مانند شغل طلا جواهر فروش (۵)، اما ۸٪ پاسخگویان در این گروه به میزان یک درجه، و ۴٪ به میزان دو درجه نسبت به پدران خود ارتقاء یافته اند. در همین حال، ۴۰٪ افراد این طبقه شغلی نسبت به پدران خود یک درجه تنزل (مثلاً پدر تولیدی فرش (۵) داشته اما فرزند فروشنده (۴) است) و ۳۶٪ نیز دو درجه تنزل جایگاه داشته اند (مثلاً پدر مدیر عامل شرکت تعاونی (۵) بوده اما فرزند مغازه دار (۳) شده است). ۱۵/۴٪ پاسخگویانی که موقعیت شغلی پدرانشان در سطح بالا بوده است همان جایگاه شغلی پدران خود را حفظ کرده اند (مثلاً هر دو معلم و یا استاد دانشگاه (۶) بوده اند). اما بقیه افراد این طبقه همگی تنزل پیدا کرده اند که از این میان دوسوم (۶۹/۲٪) به میزان دو درجه (مثلاً پدر معلم و دبیر (۶) بوده اما فرزند حسابدار و یا فروشنده پوشاک (۴) شده است)، و ۱۵/۴٪ به میزان سه درجه نسبت به موقعیت پدران خود تنزل یافته اند (مثلاً پدر معلم یا مدرس (۶) بوده اما فرزند پیمانکار یا فروشنده (۳) شده است). نهایتاً، در بین پاسخگویانی که مشاغل پدرانشان در سطح بسیار بالا بوده است ۵۰٪ همان جایگاه شغلی پدرانشان را حفظ و باز تولید کرده اند (مثلاً پدر و فرزند هر دو تولیدی فرش (۷) دارند). اما در ۵۰٪ بقیه اعضای این طبقه هیچکدام ارتقاء نداشته بلکه سه درجه نسبت به موقعیت شغلی پدران خود تنزل پیدا کرده اند.

بدین ترتیب، در جامعه مورد مطالعه، بیشترین تحرک صعودی بین نسلی در طبقات "بسیار پایین، پایین، و متوسط رو به پایین" بویژه کسانی که پدران شان عمدتاً راننده، کارگر، کشاورز، بافنده، میوه فروش و یا کارمند ساده بوده اند رخ داده است. اما، بیشترین حفظ موقعیت یا بازتولید اجتماعی را می توان در افراد وابسته به طبقات "متوسط و بسیار بالا" بویژه در مشاغلی چون

تولیدکننده فرش، طلاساز و طلافروش، معلم یا استاد دانشگاه، کارمند دولت و مغازه دار. ملاحظه کرد زیرا نیمی از آنان جایگاه شغلی پدران خود را بازتولید کرده اند. نهایتاً، بیشترین تحرک نزولی را افراد متعلق به طبقات "بالا و متوسط رو به بالا" داشته اند.

ج. یافته های تحلیلی و از مون فرضیات

در این بخش، نقش متغیرهای پژوهش در تحرک بین نسلی (ارتقاء) به کمک آزمون های کای اسکوتر و همبستگی اسپیرمن سنجش و نتایج حاصله در جدول جامع شماره ۶ منعکس شده است.

*جدول ۶- نتایج آزمون رابطه میان متغیرهای پژوهش با ارتقاء بین نسلی

متغیرها	ضریب آزمون	معناداری	نتیجه آزمون
متغیرهای زمینه ای- ارتقاء بین نسلی			
جنس- ارتقاء بین نسلی	$X^2 = 0.281$	0.221	رد فرضیه و عدم ارتباط
محل تولد- ارتقاء بین نسلی	$X^2 = 0.352$	0.382	رد فرضیه و عدم ارتباط
وضع تاهل- ارتقاء بین نسلی	$X^2 = 0.675$	0.574	رد فرضیه و عدم ارتباط
سن- ارتقاء بین نسلی	$r = 0.280$	۰,۰۰۳	تایید فرضیه و وجود ارتباط
عوامل فرهنگی- ارتقاء بین نسلی	$r = 0.226$	۰,۰۴۶	تایید فرضیه و وجود ارتباط
تحصیلات پاسخگو- ارتقاء بین نسلی	$r = 0.274$	۰,۱۰۸	رد فرضیه و عدم ارتباط
کیفیت تحصیل- ارتقاء بین نسلی	$r = 0.159$	0.085	رد فرضیه و عدم ارتباط
عادات فرهنگی- ارتقاء بین نسلی	$r = 0.155$	0.045	تایید فرضیه و وجود ارتباط
آموزش تخصص و مهارت- ارتقاء بین نسلی	$r = 0.212$	۰,۰۲۵	تایید فرضیه و وجود ارتباط
عوامل اقتصادی- ارتقاء بین نسلی	$r = 0.167$	۰,۰۸۴	رد فرضیه و عدم ارتباط
محله سکونت- ارتقاء بین نسلی	$r = 0.227$	۰,۰۱۳	تایید فرضیه و وجود ارتباط
متراژ منزل- ارتقاء بین نسلی	$r = 0.054$	۰,۵۶۳	رد فرضیه و عدم ارتباط
عوامل خانوادگی- ارتقاء بین نسلی	$r = 0.015$	۰,۷۹۲	رد فرضیه و عدم ارتباط
جایگاه شغل پدر- ارتقاء بین نسلی	$r = 0.222$	۰,۰۱۹	تایید فرضیه و وجود ارتباط
تحصیلات پدر- ارتقاء بین نسلی	$r = -0.013$	۰,۸۹۰	رد فرضیه و عدم ارتباط
تحصیلات مادر- ارتقاء بین نسلی	$r = -0.044$	۰,۶۴۸	رد فرضیه و عدم ارتباط
توقعات تحصیلی والدین- ارتقاء بین نسلی	$r = 0.109$	۰,۱۴۸	رد فرضیه و عدم ارتباط

بر اساس یافته های جدول ۶ می توان گفت به جز متغیر سن، بقیه "متغیرهای زمینه ای" با ارتقاء بین نسلی رابطه معناداری نشان نداده و فرضیات مربوطه همگی رد شده اند. اما سن و سال افراد رابطه معنا داری را با ارتقاء میان نسلی نشان داده و این رابطه مستقیم و هم افزاست یعنی افرادی که سن بالاتری داشته اند میزان ارتقاء بین نسلی بیشتری را نسبت به گروههای سنی پایین تر تجربه کرده اند. این واقعیت چندان دور از منطق هم نیست زیرا برای ارتقاء و پیشرفت نیاز به سالها مداومت و ماندگاری در شغل، کسب تجارب طولانی و نهایتاً دستیابی به جایگاه شغلی بهتر است، و چنین فرایندی با سپری شدن سال های عمر بدست می آید. همچنین، بخاطر بزرگتر از ۰,۰۵ بودن سطح معناداری در تمامی آزمون ها میان "عوامل انگیزشی" و مولفه های آن با "ارتقاء بین نسلی" فرضیات مربوط به نقش عوامل انگیزشی همگی رد شدند. اما نتایج آزمون میان "عوامل فرهنگی" با ارتقاء بین نسلی نشان از وجود رابطه داشته و فرضیه مربوطه تایید شد. از بین مولفه های عوامل فرهنگی، عادات فرهنگی و آموزش های تخصصی مهارتی با تحرک بین نسلی رابطه معناداری داشته اما بقیه مولفه ها رابطه ای نداشته اند. همچنین، بر اساس یافته های جدول ۶ عوامل اقتصادی "با" ارتقاء میان نسلی "پاسخگویان رابطه نشان نمی دهد اما از بین مولفه های عوامل اقتصادی، محله سکونت رابطه معناداری با پیشرفت و تحرک بین نسلی داشته و فرضیه مربوط به آن تایید شده است. طبعاً زندگی در محله های متوسط یا گران قیمت به معنای برخورداری از امکانات آموزشی، تفریحی، تجاری و بهداشتی و درمانی بهتری است که در پیشرفت و ارتقاء فرزندان می تواند موثر باشد. نهایتاً، در ارتباط با "عوامل خانوادگی" و مولفه های آن یافته ها حاکی است به جز جایگاه شغل پدر، بقیه متغیرها یعنی تحصیلات پدر، تحصیلات مادر و انتظارات تحصیلی والدین رابطه معناداری با تحرک بین نسلی نداشته اند. راز مساله در این نهفته است که غالباً پدرهای دارای جایگاه بالای شغلی از یکسو می توانند الگوی فرزندان خود شده و به آنها در کسب موفقیت و پیشرفت انگیزه بدهند. از سوی دیگر، این پدر ها با امکاناتی که در اختیار دارند می توانند حمایت های مالی و اقتصادی مناسب از فرزندان خود به عمل آورند و یا امکان تحصیل با کیفیت و آموزش مهارت های تخصصی را برای ارتقای فرزندان خود فراهم کنند.

۶- نتیجه گیری

پژوهش حاضر ابعاد گوناگونی از تحرک و باز تولید اجتماعی را در یک جامعه در حال گذار همچون کاشان بررسی و در صدد کشف پاسخ برخی سوالات در این زمینه بوده است. در زمینه "تحرک اجتماعی" نتایج نشان داد تقریباً از هر ۱۰ نفر، ۶ نفر نسبت به موقعیت پدران خود تحرک داشته و از این میان سه نفر پیشرفت و سه نفر تنزل کرده اند. بیشترین پیشرفت و ارتقاء بین نسلی را در بین کسانی می توان دید که پدران آنها راننده، کارگر، کشاورز، بافنده، میوه فروش و یا کارمند ساده بوده اند. در زمینه "باز تولید اجتماعی" نیز معلوم شد تقریباً یکی از هر ۲/۵ نفر جایگاه و موقعیت پدران خود را بازتولید کرده و بیشترین میزان بازتولید اجتماعی را می توان دید که جایگاه شغلی پدرانشان متوسط و بالاست همچون تولیدکنندگان فرش، طلاسازی و طلافروشی، معلمی یا استادی دانشگاه، کارمند دولت و مغازه دار. در مورد این سوال که شهروندان غالباً از کدام "استراتژی ها" برای تحرک و بازتولید اجتماعی استفاده کرده اند یافته ها نشان داد هم برای ارتقاء بین نسلی، و هم بازتولید اجتماعی، عمدتاً استراتژی های آموزشی و زیستی توسط والدین پاسخگویان بکار گرفته شده است. البته "استراتژی سیاسی" یا سرمایه گذاری والدین در زمینه پیوند دادن فرزندان خود با مدیران و مسئولان نیز نقش کمی (۹٪) در تحرک بین نسلی فرزندان داشته است.

در آزمون فرضیات روشن شد که در ارتقاء بین نسلی شهروندان، عواملی چون: سن و سال، آموزشهای تخصصی مهارتی، عادات فرهنگی، محله سکونت، و نهایتاً موقعیت شغلی پدر نقش موثر داشته اند. سن و سال جزو متغیرهای زمینه ای، آموزشهای تخصصی و عادات فرهنگی جزو عوامل فرهنگی، محله سکونت جزو عوامل اقتصادی و نهایتاً جایگاه و موقعیت شغلی پدر جزو عوامل خانوادگی بوده اند. فرضیات مربوط به متغیرهای ذکر شده همگی تایید شدند اما بقیه فرضیات رابطه معناداری با ارتقاء بین نسلی نشان ندادند. در زمینه عادات مثبت فرهنگی (مطالعه، نظم و وقت شناسی، آشنایی با موسیقی، نقاشی و طراحی، رفتن به نمایشگاه و تئاتر) و آموزش های تخصصی که در ارتقاء پاسخگویان نقش داشته واقعیت این است که در کاشان استقبال از آموزش های تخصصی و مهارت های کاربردی همچون کار با ویندوز و مهارت های کامپیوتر، مهارت های شغلی و فنی، دوره های زبان، مهارت های عمومی مانند خیاطی، کار با چرم، جوشکاری، برق کشی و... هم گسترده است و هم تاثیر بسزایی در ارتقاء بین نسلی ایفا می کند. علاوه، با تغییر و تحولات سریع اجتماعی و اقتصادی، عادات فرهنگی جدیدی در نسل امروز در حال شکل گیری است که می تواند در پیشرفت شغلی آنها اثر گذار بوده و باعث ارتقاء وضعیت آنها نسبت به نسل قبل شود. از آنجا که مصرف سرانه مطالعه کتاب و مجلات و... در کشور نگران کننده است و تنها ۷٪ از فعالیتهای اوقات فراغت مردم را تشکیل می دهد (نجفی و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۴۱) توجه به مطالعه نیز در رشد و ارتقاء اجتماعی شهروندان موثر است.

برخی نتایج غیرمنتظره نیز در این پژوهش آشکار شد. از جمله اینکه، بخش قابل توجهی از افراد، هم برای ارتقاء و هم بازتولید اجتماعی، از استراتژی های زیستی مانند: تغذیه سالم، سبک زندگی مطلوب، مدیریت بدن، پیاده روی، پیشگیری از بیماری ها، توجه به ظاهر خود، انجام عمل های زیبایی، ورزش و تقویت جسمانی، فرزندآوری کم، تناسب اندام و... استفاده می کنند. با توجه به مختصات فرهنگی شهر کاشان، این گرایش به استراتژیهای زیستی برای تحرک اجتماعی تا حدودی غیر منتظره و نشان از پوست اندازی جامعه در بکار گیری مکانیزم های تازه در مسیر تحول و پیشرفت اجتماعی دارد. متقابلاً، استراتژی سیاسی و پیوند با افراد مهم و با نفوذ بسیار کم توسط شهروندان استفاده شده (۹٪) که نتیجه ای برخلاف انتظار است زیرا شهر کاشان یکی از پایگاههای نیرومند حکومت و تغذیه کننده بدنه اجتماعی، مذهبی و سیاسی جریانات موافق با نظام سیاسی کشور را تشکیل می دهد اما با این وجود، گویا بدنه جامعه فاصله خود را از این نوع ارتباطات حفظ نموده و بیشتر بر امکانات و داشته های خود برای پیشرفت در زندگی متکی است.

دومین نتیجه غیرمنتظره را در عدم تاثیر نقش جنسیت در تحرک اجتماعی باید دید زیرا این دستاورد، برخلاف نظرات گیدنز، پم و بسیاری از مطالعات پیشین است. همین نتیجه غیر منتظره در مورد محل تولد یا خاستگاه جغرافیایی بدست آمد و نشان داد برخلاف تاکید نتایج مطالعات گذشته مبنی بر فزونی تحرک مهاجران نسبت به بومی ها، شهروندان کاشانی و مهاجران به این شهر، میزان تحرک متفاوتی را تجربه نکرده اند.

در زمینه تحرک ساختاری نیز نتایج قابل تاملی در این پژوهش بدست آمد که عمدتاً به منزلت و جایگاه مسئولان، قانونگذاران و مدیران عالی رتبه بویژه رجال سیاسی و مذهبی مربوط است. نظرات مردم و داوران در پرسشنامه "منزلت مشاغل" نشان داد امروزه شهروندان به موقعیت مسئولان بلند پایه بهای زیادی نداده و بیشتر به مشاغل کاربردی، مفید و سودمند برای زندگی روزمره توجه دارند. البته، هرچند موقعیت های سیاسی و مذهبی جایگاه اجتماعی خود را نسبت به گذشته از دست داده اند ولی - براساس نتایج- مشاغل فرهنگی و آموزشی نسبت به گذشته جایگاه بهتری در جامعه و انتظار عمومی پیدا کرده اند.

همچنین، غلبه میزان تحرک بین نسلی (۵۸/۲٪) بر میزان باز تولید اجتماعی (۴۱/۸٪) در این پژوهش تقابل آشکاری را با نظرات بوردیو پیرامون گرایش غالب به بازتولید در جوامع معاصر نمایان کرده و نشان می دهد در کاشان تمایل شهروندان به تحرک و پیشرفت بسیار بیشتر از تمایل به بازتولید و حفظ موقعیت پدران خود است. از سوی دیگر، یافته ها نشان داد عادات

فرهنگی و آموزش‌های تخصصی در پیشرفت افراد نقش داشته و در واقعیت نیز استقبال عمومی از دوره‌های مختلف مهارت آموزی و تخصصی در شهر کاشان توانسته است زمینه را برای تحرک صعودی شهروندان فراهم کند. اثرگذاری عادات فرهنگی و آموزش‌های تخصصی و تحصیلات بر تحرک، موید نظریات بورديو پیرامون نقش عادت‌واره‌ها و تحصیلات در فراهم سازی زمینه های تحرک اجتماعی است. علاوه بر صاحب‌نظران، بسیاری از مطالعات گذشته و حال نیز (نایی و معصومی راد ۱۳۹۰، زارع و لطفی ۱۳۹۱، غفاری و حقیقتیان ۱۳۹۵) بر نقش عوامل فرهنگی در تحرک اجتماعی تاکید دارند.

- ازکیا، مصطفی (۱۳۷۷). جامعه شناسی توسعه، تهران: نشر کلمه
- اشرف احمد و بنوعزیزی علی، (۱۳۸۷). طبقات اجتماعی و انقلاب در ایران، ترجمه سهیلا ترابی فارسانی، تهران: نشر نیلوفر.
- بون ویتز، پاتریس (۱۳۸۹). درس هایی از جامعه شناسی پی یر بوردیو. ترجمه: جهانگیر جهانگیری و حسن پور سفیر، تهران، نشر آگه.
- جبلی بخت آرا، وحید (۱۳۸۷). تحرک اجتماعی داوطلبان مشارکت در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران: مطالعه ای در مورد جانبازان بسیجی ساکن شهر تهران بزرگ، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- حسینی محمد، ۱۳۹۸، تحرک شغلی بین نسلی در ایران از ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۵، فصلنامه برنامه ریزی و بودجه، بهار ۱۳۹۸، شماره ۱۴۴: ۲۵-۵۰.
- ریزمن، لئونارد، انگویتا، ماریانو اف. (۱۳۸۳)، جامعه شناسی قشرها و نابرابری های اجتماعی، ترجمه محمدقلی پور، مشهد: انتشارات مرنديز و آوای کلک.
- سایت مرکز آمار ایران، گزیده نتایج سالنامه های آماری ۱۳۷۵-۱۴۰۰. بخش جمعیت و نیروی انسانی،
- سفیری خدیجه، ایمانی الهه، ۱۳۸۵، تحرک اجتماعی بین نسلی زنان در تهران، فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۴، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۸۵: ۱۵۸-۱۴۱.
- شمس الدینی، زهرا (۱۳۹۵)، بررسی میزان تقدیرگرایی و عوامل اجتماعی موثر بر آن: مطالعه موردی شهروندان ۶۵-۱۸ شهر کرمان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- شهرداری اصفهان. ۱۳۹۶. آمار تفصیلی شهرهای استان اصفهان در سال ۱۳۹۵، جدول شماره ۳، جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر برحسب وضع تاهل، وضع زناشویی، و وضع فعالیت.
- غلامی، یونس؛ فلاحتی، فرشاد (۱۳۹۸)، مدل سازی ساختاری تحرک اجتماعی بین نسلی مهاجرین افغانستانی (مطالعه موردی: شهر کاشان)، دو فصلنامه جغرافیای اجتماعی شهری، ۶(۲): ۲۰۴-۱۸۷.
- مبارکی محمد، قائمی زاده محمدسلیمان، محمود زاده مرتضی، ۱۳۹۶، نوسازی یا بازتولید اجتماعی: مطالعه ای در خصوص قشربندی و تحرک اجتماعی، مجله تحلیل اجتماعی نظم و نابرابری اجتماعی، دوره ۹، شماره ۴، پیاپی (۷۲): ۱۱۴-۸۱.
- کاظمی پور، شهلا (۱۳۷۸). الگوی در تعیین پایگاه اجتماعی - اقتصادی افراد و سنجش تحرک اجتماعی با تکیه بر مطالعه موردی در شهر تهران، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۴: ۱۷۲-۱۳۹.
- کوئن، بروس (۱۳۸۶)، مبانی جامعه شناسی، ترجمه غلامعباس توسلی، رضا فاضل، تهران: انتشارات سمت،
- گرپ، ادوارد جی (۱۳۷۳) نابرابری اجتماعی: دیدگاههای نظریه پردازان کلاسیک و معاصر. ترجمه محمد سیاهپوش و احمدرضا غرویزاده، تهران: معاصر
- گیدنز، آنتونی (۱۳۹۷). جامعه شناسی. ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- مقدس، علی اصغر (۱۳۷۴). منزلت مشاغل در جامعه شهری ایران، مورد مطالعه شهر شیراز، مجله علوم اجتماعی دانشگاه شیراز، دوره دهم، شماره ۲: ۹۴-۶۵.
- مقدم، مریم (۱۳۹۷)، بررسی عوامل اجتماعی موثر بر شکل گیری کلیشه های جنسیتی، دوماهنامه علمی تخصصی پژوهش در هنر و علوم انسانی، سال سوم، شماره ۵، پیاپی (۱۳): ۹۱-۱۰۴.
- نایی، هوشنگ؛ معصومی راد، رضا (۱۳۹۲)، عوامل اجتماعی مؤثر بر تحرک اجتماعی (شغلی) اعضای هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی. فصلنامه راهبرد اجتماعی و فرهنگی، ۲، (۷): ۱۲۳-۱۰۳.
- نجفی مهدی، قدیمی بهرام، محمداسماعیل صدیقه، باصری علی، علی پور درویشی زهرا، ۱۴۰۱، سرمایه فرهنگی و ذائقه فرهنگی مصرف کتاب در میان شهروندان شهر تهران، فصلنامه مطالعات فرهنگ-ارتباطات، دوره ۲۳، شماره ۶۰، پیاپی (۹۲): ۲۶۰-۲۳۹.